



دشمن قسم خورده و راهکارهای مقابله با آن

عبدالله حاجی صادقی^۱

چکیده:

دشمن شناسی و بصیرت نسبت به توطئه ها و تهدیدات یکی از شرایط مهم در هر حرکت و کار عظیمی است. در مهم ترین برنامه زندگی انسان که سیر و سلوک و تعالی و تقرب به خدا با محوریت صراط مستقیم باشد، دشمنی مصمم و توانمند با تمام توان و نیروهایش به میدان آمده تا انتقام خود را از انسان بگیرد و قسم خورده است که نگذارد او در صراط مستقیم حضور و استقامت یابد و این همان شیطان است.

این مقاله پس از اشاره به فلسفه وجودی شیطان و ضرورت آن در نظام احسن و همینطور علت فرصت و مهلتی که خدا به او داده است، راهکارها و برنامه های کلی و فراگیر شیطان برای انحراف و آسیب رسانی به انسان را بیان کرده و سپس برخی از مهم ترین راهبردهای مقابله و عوامل مؤثر در ناکام سازی توطئه های شیطان را بر می شمارد.

کلیدواژه ها: شیطان - ابلیس - دشمن

مقدمه:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۗ إِنَّ الشَّيْطَانَ بِرَأْسِهِ يَأْتِي الْبَشَرَ ۗ

گیرید (فاطر، ۶).

خدا انسان را از سمبل زشتی ها [حمأ مسنون] و سمبل زیبایی ها [روح خدا] آفرید و او را روی زمین خاکی قرار داد اما به او گفت روی زمین خاکی نمان. خاک مبداء حرکت تو

۱. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



است و از آنجا باید به سوی خدا حرکت کنی. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءَكُم بِالْحَقِّ كَذَّابًا** **فَمُلِّقِيهِ** ای انسان! تو بسوی پروردگارت تلاش می کنی پس او را ملاقات خواهی کرد (انشقاق، ۶).

اما در این حرکت موانعی وجود دارد؛ بزرگترین راهزن و مانع برای سیر و سلوک به مبدء هستی و کمال مطلق، شیطان و جنود ابلیس است همان که قسم خورده با تمام توان به راه زنی و جلوگیری از حرکت بندگان خدا پردازد و آنها را از هر طرف در محاصره قرار دهد.

قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ **وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ** (شیطان) گفت اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو در برابر آنها کمین می کنم سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها به سراغشان می روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت (اعراف، ۱۶ و ۱۷).

بدیهی است در این حرکت انسان نیازمند آن است که دشمنان و موانع را شناخته و راهکارهای مبارزه با آنها را نیز وجه همت خود سازد. یکی از ابعاد مهم هدایت های دینی معرفی این مانع ها و دشمنان بزرگ به ویژه شیطان و توطئه های او و راهکاره های مقابله با آنها است و لذا قرآن در بیش از صد آیه شیطان و جنود او را معرفی و به انسان هشدار داده که ضمن موضع گیری دشمنانه در برابر او مواظب باشد گرفتار وسوسه ها و توطئه های خطرناک او و سپاه و یارانش نگردد. این مقاله می کوشد به اختصار با استفاده از آیات قرآن و تعالیم اهل بیت ضمن معرفی این دشمن ، راهبردها و راهکارهای دینی را برای مقابله با او بیان کند.

تعریف مفاهیم

شیطان از شَطَن به معنای دور شدن است (مفردات راغب، ۲۶۷) و در اصطلاح بر هر موجود گستاخ و سرکش و متمرّد و بدکار خواه انسان باشد یا جنّ یا هر چیز دیگر اطلاق می گردد. (همان، ۲۶۷) به دیگر سخن، به موجودی فتنه انگیز، موذی و مضر که پیوسته در صدد انحراف و افساد و خارج کردن مردم از صراط مستقیم است تعبیر به شیطان می شود.

بنابراین شیطان و شیطنت یک وصف است برای هر موجود بدکار (فاسد و مفسد) و وجود مستقل و معین شخصی ندارد به خلاف ابلیس که دارای وجود عینی و مشخص است. البته نخستین موجودی که متصف به وصف شیطنت شد ابلیس است و به همین جهت که او منشأ و تشویق کننده به هر بدی است این وصف بیشتر برای او علم شده است لکن این وصف مختص او نیست و همه جنود و حزب او هم به همین وصف متصف می گردند.

واژه ابلیس از ریشه «بلس» به معنای «مایوس گردید» می باشد (کتاب العین، ۷، ۲۶۶) ابلیس نام موجودی از طایفه جن (کهف، ۵۰) بود و گر چه از ملائکه نبود لکن بر اثر کثرت عبادت و بندگی خدا در ردیف فرشتگان قرار گرفت تا این که در جریان آفرینش آدم و نافرمانی از امر خداوند مبنی بر سجده به او مطرود درگاه الهی گردید.

منظور این مقاله از واژه شیطان در مرحله اول رانده شده و مفسد بودن او می باشد و در مرحله بعد جنود و نیروهای او اعم از نیروهای جنی یا انسی که با تمام توان و به کارگیری همه ابزارها می خواهد مانع حرکت استکمالی و تعالی انسان باشد.

فلسفه وجودی شیطان

آفریدگار انسان همه پدیده ها را برای او و در اختیار او آفرید تا انسان با بندگی و عبودیت خدا به کمال حقیقی و سعادت ابدی که برای آن خلق شده برسد و البته با ارسال رسل و انزال کتب همه زمینه ها و فرصت ها و ابزارهای لازم برای این حرکت اختیاری و کمال و سعادت آگاهانه و آزادانه را در اختیارش قرار داد اما چرا با مهلت دادن به ابلیس و نخستین شیطان بزرگترین مانع و راه زن را بر سر راه آنها قرار داد؟ آیا خدا به اومهلت داد تا بندگان عزیز و محبوبش را به دام انداخته و آنها را از رسیدن به مقصد نهایی باز دارد؟

مگر نه آن است که مبدء همه قدرت ها و توانایی ها خداست و اگر شیطان تا قیامت فرصت و توانایی اغوا و افساد و انحراف دارد این را از خدا گرفته است چنانچه قرآن می فرماید: **قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ** (حجر، ۳۶) «ای پروردگار من پس مرا تا روزی که مبعوث می شوند مهلت (و عمر) عطا فرما». یعنی خود شیطان هم می دانست که اگر قدرت و امکانی می خواهد باید از خدا و پروردگارش دریافت کند خدا هم در جواب او





فرمود: **قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ** فرمود تو از مهلت یافتگانی تا روز و وقت معینی (قیامت)

آیا بهتر نبود خدا در همان آغاز با درخواست ابلیس مخالفت می کرد و مهلت فریب و گمراه کنندگی و عمر طولانی به او نمی داد تا حضرت آدم علیه السلام و بعد از او بندگانش به راحتی مسیر هدایت و سعادت را بیمایند و در حقیقت همگی از مخلصین باشند؟

در پاسخ می توان گفت: اولاً خداوند دارای قدرت مطلق و منشأ همه توانایی هاست اما در عین حال حکیم مطلق هم هست و هر آنچه به صورت تکوینی خلق می کند بخشی از نظام احسن بوده و هر حکم و قانونی که تشریح می کند و فرصت و امکانی که به موجودات می دهد مبتنی بر مصالح است و از جمله آفرینش و مهلت دادن به ابلیس بخشی از حکمت الهی و دارای مصالح ضروری است گر چه ما به همه آن مصالح علم تفصیلی و قطعی نداشته باشیم. البته این به آن معنا نیست که به دنبال درک و فهمیدن علل شرایع و راز و رمز آفرینش نباشیم بلکه به این معنی است که اگر حکمت و مصلحت چیزی را ندانستیم آن را بیهوده و پوچ نپنداریم.

ثانیاً با همان اطلاعات محدود و عقل بشری می توان برای فرصت دادن به ابلیس و فلسفه وجودی شیطنت های او و جنود و حزبش در مسیر کمال انسان حکمت ها و مصالحی را بیان نمود که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- استعدادها و توانمندی های انسان جز در مبارزه و درگیری با موانع شکوفا نمی شود و به فعلیت نمی رسد. قهرمانی و پیروزی نیاز به حریف و طرفی دارد که انسان را وادار کند با آمادگی و تمرین همه توانمندی های خویش را به کار گرفته و تلاش کند پیروز از میدان خارج شود؛ پیروزی و قهرمانی در میدان بدون حریف و رقیب معنی ندارد.

اگر شیطان و وسوسه های او نبود انسان در مقام مبارزه با شیطان بر نمی آمد و استعدادهای نهفته در او فعال و شکوفا نمی شد. علی علیه السلام چه زیبا طالبان سعادت و هدایت واقعی را مخاطب قرار داده و می فرماید: **صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمُجَاهِدَةِ وَ اغْلِبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ تَزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ وَ تَعْلُو عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَاتِكُمْ** (غررالحکم و درر الکلم، ۱۳۴۹) با شیطان جهاد و بیکار کنید و با مخالفت و نافرمانیش بر او پیروز و چیره شوید تا (اولاً) جانتان رشد یابد (و

به کمال برسد) و (ثانیاً) درجات و مراتب شما نزد خدا بالا رود. حضرت امام خمینی نیز در دیوان اشعار خود می فرماید:

زاده اسماء را با جنة المأوی چه کاری در جم فردوس می ماندم اگر شیطان نبود

۲- اساس آفرینش انسان با دیگر موجودات متفاوت است. انسان هم دارای امیال حیوانی است که نشأت گرفته از بعد خاکی او است و هم گرایش ها و جاذبه های معنوی و الهی دارد که خاصیت روح خدایی اوست و به همین جهت موجودی انتخاب گر و آزاد است و سعادت و شقاوتش را خود می سازد و این امر در جبهه درونی نفس، تعیین و ترسیم می گردد. جهاد اکبری که تعیین کننده سرنوشت و جایگاه انسان در آفرینش بوده و حاصل همین درگیری دو دسته جاذبه ها و گرایش های متضاد می باشد که قرآن درباره انسان می فرماید:

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ

مَنْ دَسَّاهَا . و قسم به جان آدمی و آن کس که آنرا (آفریده و) منظم ساخته سپس فجور و تقوی (شر و خیرش) را به او الهام کرده است که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محروم گشته است (شمس، ۷، ۱۰-۱۰)

در حدیث مشهور وقتی عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) سؤال کرد آیا ملائکه برترند یا انسان ها و فرزندان آدم؟ آن حضرت از امام علی علیه السلام نقل می کند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنْ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنْ الْبَهَائِمِ . همانا خداوند در ملائکه عقل را بدون شهوت قرار داد و در چهار

پایان شهوت (و غرایز حیوانی) را بدون عقل قرار داد و در فرزندان آدم هر دو را قرار داد (و انسان را مرکب از عقل و شهوت ساخت) پس هر کس عقلش بر شهوتش غلبه کند (و غرایز و میل های حیوانی را تحت کنترل عقلانیت و خرد آورد) همانا او بالاتر و با فضیلت تر از فرشتگان است و هر کس شهوت (و گرایش های حیوانی او) بر عقلش غلبه کند او از چهار پایان بدتر و پست تر است (مجلسی، بحار الانوار، ۶، ۲۹۹).

در این نبرد انبیاء الهی و وحی آسمانی پشتیبان و هدایت کننده رسول باطنی و خرد انسانی می باشند و شیطان عامل تقویت شهوت و امیال حیوانی انسان است و البته نه





انبیاء الهی و نه شیاطین مجبور کننده انسان نیستند؛ این خود اوست که زمام مدیریت و ولایت را به هر کدام بخواهد می دهد و از پشتیبانی او بهره مند می گردد. بنابراین آفرینش انسان اقتضاء می کند که اگر خدا انبیاء را برای حمایت و تقویت عقل و قوای الهی می فرستد برای قوای حیوانی و امیال نفسانی هم عقبه و پشتیبانی را قرار دهد تا جنگ و نبرد درونی معنای واقعی و متعادل پیدا کند و در عین حال که گروندگان به هواهای نفسانی و لیبک گویان دعوت شیطان، سزاوار مذمت و عذاب می گردند، آنان که خود را از اسارت و سوسه های شیطان و نفس اماره رهایی بخشیده و راه عقل و انبیاء را می پیمایند شایستگی تمجید و تکریم و بهشت را داشته باشند. به دیگر سخن برگرفتن توشه تقوی به عنوان عالی ترین توشه عمر دنیوی جز در درگیری و مقابله با دشمنی مانند شیطان که توشه های مجازی و دروغین را ترویج می کند برای انسانها حاصل نمی شود و ارزش و بها پیدا نمی کند.

۳- وجود شیطان و توطئه ها و وسوسه های او به عنوان دشمن خطرناکی در برابر انسان سبب می شود که انگیزه و حالت پناه بردن به قدرتی که این دشمن را سرکوب و ناکام سازد در انسان تقویت گردد و از ترس حملات او به پناهگاهی که به انسان مصونیت می دهد متوسل شود و از این طریق ما به نعمت بزرگی و هدیه ای بی نظیر دست یابیم یعنی تکیه و پناه بردن به خدایی که با اعتماد و توکل به او و رنگ الهی یافتن دیگر شیطان توانایی تصرف و تأثیرگذاری نخواهد داشت چنانچه خود او مخلصین را استثنا کرد و اعتراف نمود که نسبت به آنها نمی تواند اغوا کننده و تأثیرگذار باشد (سوره حجر، ۴۰)

پس می توان گفت مهلت دادن به شیطان به این معنی نیست که راههای هدایت و پیمودن صراط مستقیم بر انسان غیر ممکن باشد یا او بتواند قدرت انتخاب و گزینش را بر انسان مسدود نماید. بلکه این مهلت بخاطر آن است که انتخاب و تصمیم صحیح انسان ارزش و بها یافته و او را آنچنان بالا ببرد که از فرشته هم فراتر رود چنانچه این مهلت دادن به این معنی نیست که او قدرت مطلق و نامحدود پیدا کرده باشد او تنها دعوت کننده و وسوسه کننده است و هر کس فطرت الهی خود را سرکوب نساخته، خردورزی و قوه عاقله را خاموش نکرده باشد و نسبت به دعوت های فراوان انبیاء الهی بی توجه نباشد هرگز از دعوت ها و وسوسه ها و زینت بخشی ها و تحریف های او فریب نخورده و اسیر شیطان و جنودش نمی گردد.

به دیگر سخن برعکس تفکر ثنویت که شیطان و اهریمن را یک مبدء و منبع مستقل که منشأ همه شرور و بدیها و رقیب او اهورا مزدا را منشأ خوبی ها دانسته است، در تفکر اسلامی هرگز شیطان چنین قلمرو و قدرتی ندارد. عالم، یک مبدء دارد و شیطان هم مانند دیگر مخلوقات آفریده شده خداست و میزان اختیارات و فعالیت وی محدود به اموری است که تدبیر کننده و آفریدگار عالم مصلحت بداند لذا در عالم آفرینش و تکوین چون خدا به او میدان نداده او نمی تواند کوچکترین تأثیری ایجاد کند.

چگونگی فعالیت شیطان

چنانچه اشاره شد قلمرو فعالیت شیطان نامحدود نیست و او تنها در حوزه افعال اختیاری انسان آنهم بصورت محدود می تواند دخالت کند. میدان و زمینه کاری شیطان ادراک و اراده آدمی است تا با القاء افکار باطل و اوهام کاذب منشأ انحرافات عملی شود اما روش ها و ابزارهایی که از آن برای نفوذ و القاء انحراف استفاده می کند متفاوت و متناسب با انسان های مختلف متنوع است و چه بسا افرادی را نه با گناه و معصیت و انحراف بلکه با عجب بر عبادت فریب داده و به انحراف کشاند و از آنجا که برای مقابله با هر دشمنی لازم است توطئه ها و برنامه ها و راههای نفوذ و حمله و تجاوز او شناخته شود تا امکان مقابله با آن ممکن باشد. در معارف دینی ما به سیاستها و برنامه ها و راههای نفوذ و سلطه شیطان به تفصیل پرداخته شده تا مؤمنین را از غافلگیری مصون سازد که آنها را در دو بخش کلی می توان دسته بندی نمود: یکی سیاست ها و برنامه های کلی شیطان و دیگری ابزارها و فعالیت های جزئی تر.

الف: برنامه های کلی و سیاست های کلان شیطان

قرآن هدف اساسی و محوری شیطان را اغوا و گمراهی همراه با خسارت و هلاکت معرفی می کند. قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص، ۸۲) [شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را از راه بدر می برم. شیطان می خواهد انسان را از صراط مستقیم و هدایتی که خدای مهربان در اختیار او قرار داده است خارج کند و مانع عروج و حرکت استکمالی او گردد. او برای این هدف اساسی استراتژی ها و برنامه های متعدد و متنوعی را تعقیب می کند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:





۱- محاصره کامل: قرآن از قول شیطان نقل می کند که پس از مطرود شدن از درگاه الهی گفت: بندگان را از چهار جانب در محاصره گرفته و بر آنان می تازم تا نگذارم شاکر و متوجه نعمت ها و هدایت های الهی باشند. ثُمَّ لَا تَبِينَ لَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمَنْ خَلْفَهُمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف، ۱۷)

علامه طباطبایی حدیث زیبا و گویایی را از امام محمد باقر علیه السلام: درباره چگونگی محاصره انسان توسط شیطان نقل می کند:

«من بین ایدیهم» اهون علیهم الاخره «و من خلفهم» امرهم بجمیع الاموال و منعها عن الخوف لتبقی لورثتهم «و عن ایمانهم» افسد علیهم امر دینهم بتزیین الضلاله و تحسین الشبهه «و عن شمائلهم» بتحبیب اللذه و تغلیب الشهوات علی قلوبهم . «هجوم از روبرو» به این است که آخرت را برای آدمی سهل و ساده می نمایانم و «هجوم از پشت سر» به این است که مردمان را به جمع آوری مال ها، فرمان می دهم و آنان را از دادن حقوق - واجبی که خدا در اموالشان قرار داده - باز می دارم تا برای وارثان و بازماندگان در پشت سر خود به ارث گذارند و «هجوم از سمت راست» آن است که من با آراستن بی راهه ها و نیکوسازی شبهه ها دین آنان را تباه خواهم کرد و «هجوم از طرف چپ» را اینگونه انجام می دهم که لذت های - مادی و حرام - را برای آنان خواستنی و محبوب ساخته و شهوات نفسانی را بر دل آنها غالب و چیره می سازم (المیران، ۶۰۸).

۲ - سوق دادن به کفر و ارتداد: راهبرد اصلی شیطان آن است که با لغزش های عملی و علمی انسان را آرام آرام از سرزمین ایمان خارج کند و به کفر بکشاند و وسوسه های او برای همین است. قرآن در تحلیل ارتداد مرتدین علی رغم اینکه راه هدایت و سعادت برای آنها بیان شده می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَرَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَلْهَدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ (محمد، ۲۵) همانا کسانی که پس از آن که راه هدایت برایشان روشن شد به آن پشت کردند شیطان (رفتار بدشان را) برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است و یا در سوره حشر آیه ۱۶ می فرماید: كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ.



۳- وعده و وعید: یکی از سیاست های کلی شیطان ترساندن انسان ها و موجب خسران دانستن پیروی آن ها از انبیاء است چنانچه وعده می دهد که با پیروی از او می توانید به لذت های فراوانی برسند. **الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ** (بقره، ۲۶۸) شیطان شما را از تهی دستی بیم می دهد و شما را به زشتی وا می دارد.

چنانچه گاهی با مغرور ساختن انسان نسبت به رحمت و غفران الهی وعده می دهد که فعلاً در زندگی به خوش گذرانی و لذت جویی مشغول باش و اگر در این بین گرفتار گناه و آلودگی شدی نگران نباش و در پایان توبه خواهی کرد. یعنی با وعده به توبه او را برای غرق شدن در معاصی با انگیزه می کند و بعد هم همواره درنگ در توبه را القا می کند و به تعبیر علی(ع) توبه را به صورت آرزویی در می آورد تا انسان برای آن امروز و فردا کند تا آنکه مرگش فرا رسد و فرصت را از دست بدهد... **وَ يُمْنِيهِ التَّوْبَةَ لِيُسْوَفَهَا إِذَا هَبَّ جَمَت مَنِيَّتُهُ عَلَيْهِ أَغْفَلَ مَا يَكُونُ عَنْهَا** (نهج البلاغه، خطبه ۶۴) و (شیطان) انسان را در انتظار توبه نگه می دارد که آن را تأخیر اندازد و تا زمان رسیدن مرگ از آن غفلت نماید.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که وقتی آیه ۱۳۵ سوره آل عمران^۱ نازل شد حالت ابلیس را که بر بالای کوهی به نام ثور در مکه رفت چنین بیان می دارد:

فَقَالَ الْوَسْوَسُ الْخَنَاسُ أَنَا لَهَا قَالَ بِمَاذَا؟ قَالَ أَعِدُّهُمْ وَأَمْنِيَّتِهِمْ حَتَّى يُوَأَقِعُوا الْخَطِيئَةَ فَإِذَا وَأَقَعُوا الْخَطِيئَةَ أَنَسِيَّتُهُمُ الْإِسْتِغْفَارَ فَقَالَ أَنْتَ لَهَا فَوَكَّلَهُ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. پس وسواس خناس گفت این کار را به من واگذار کن. ابلیس پرسید چه طرحی داری؟ گفت به آنان وعده می دهم و امیال و آرزوها را در آنها قوی می کنم تا خطا کنند و وقتی خطا کردند استغفار را از یاد آنان می برم (تا نتوانند استغفار کنند) ابلیس گفت آری تو برای این کار توانایی داری و این مأموریت را تا روز قیامت به او محول کرد (بخار الانوار، ۶۰، ۱۹۷).

۴- اختلاط حق و باطل: باطل اگر رنگ حق بخود نگیرد مورد پذیرش و قبول هیچکس قرار نمی گیرد و میدان پیدا نمی کند و لذا همیشه باطل در پوشش حق و یا در پرتو آمیخته شدن با برخی امور حق مطرح می شود. یکی از اصول مبنایی شیطان و

- وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ فَاسْتَعَفُّوهُ لِيُنَوِّبَهُمْ؛ نیکان آنها هستند که هرگاه کار ناشایسته ای از ایشان سر زند یا ظلمی بنفس خویش کنند خدا را بیاد آرند و از گناه خود به درگاه خدا توبه و استغفار کنند.



سپاهیان‌ش همین است که حق و باطل را به هم درآمیزد تا مورد پذیرش مردم قرار گیرد و در باطل غرق شوند و با پذیرش ولایت شیطان گرفتار بدترین خسران شوند. علی(ع) در معرفی ولایت یافتن شیطان می‌فرماید:

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُرتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ السُّنُّ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤَخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فَيَمَرُّ جَانٌ فَهُنَا لَكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت زبان دشمنان قطع می‌گردید اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد (نهج البلاغه دشتی، خ، ۵۰).

امام سجاد در مناجات با خدا عرضه می‌دارد: وَ لَوْ لَا أَنَّهُ (الشَّيْطَانُ) صَوَّرَ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقَتِكَ ضَالٌّ .. اگر شیطان باطل را به صورت حق تصویر نمی‌کرد هیچ گمراهی از راه مستقیم تو گمراه نمی‌گشت (صحیفه سجادیه دعای ۳۷).

۵ - سیاست گام به گام و حمله تدریجی: شیطان در به انحراف کشاندن بندگان خدا، سیاست نفوذ و حمله تدریجی و گام به گام را دنبال می‌کند. به یک انسان مؤمن از همان ابتدا نمی‌گوید بدترین و زشت‌ترین گناهان را انجام بده بلکه ابتدا او را گرفتار شبهات و گناهان کوچک می‌نماید و کم کم مزه گناه را به او می‌چشاند. لذا بدترین گناه از نظر علی(ع) گناهی است که نزد صاحبش کوچک شمرده شود و همراه با احساس درد نباشد: أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ سَخَتْ تَرِينُ گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک شمارد. (نهج البلاغه دشتی، حکمت ۴۷۷)

۶ - عجب بر عبادت: هرگاه شیطان از راههای دیگر نتواند مؤمنین را فریب دهد از راه عبادت و بزرگ‌نمایی اعمال شایسته حجاب ایجاد می‌کند و سیاست جدیدی را دنبال می‌نماید همان چیزی که منشأ لغزش بزرگ و انحراف خود او شد یعنی عجب بر عبادت و اعمال نیک. از این رو علی(ع) می‌فرماید: سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ کار ناشایستی که تو را اندوهگین و ناراحت کند نزد خدا بهتر است از حسنه و کار خوبی که تو را به خود بزرگ بینی و عجب مبتلا سازد (نهج البلاغه حکمت ۴۳).

و در بیان نورانی دیگری عجب و راضی شدن از خود را منشأ و عامل ظهور و بروز عیوب دیگر دانسته می‌فرماید: مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ الْمَعَايِبُ. هر کس از نفس خویش راضی بود عیوب او ظهور و نمایان می‌گردد (میزان الحکمه، ۶، ۴۷).

ب: روش‌ها و ابزارهای شیطان

آنچه ذکر شد سیاست‌ها و برنامه‌های کلی شیطان و دشمن بزرگ انسان‌ها بوده است که او با بهره‌گیری از هر فرصت و ابزاری برای فریب و انحراف بندگان بهره می‌گیرد. برخی از مهمترین ابزارها و روش‌های شیطان عبارتند از:

۱- **وسوسه و القاء اندیشه‌های باطل:** شیطان تلاش می‌کند ذهن و خطورات فکری انسان را به امور انحرافی و پیغام‌های زشت و دروغین مشغول سازد و آنها را مبدء اعمال ناپسند قرار دهد مانند آنچه با حضرت آدم علیه السلام انجام داد:

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا

يَبْغِي. پس شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم آیا تو را به درختی که میوه اش حیاتی جاودان و سلطنتی زوال ناپذیر می‌بخشد راهنمایی کنم؟ (طه، ۱۲۰).

البته این وسوسه برای افرادی که ولایت و سلطه شیطان را پذیرفته اند بصورت الهام و پیغام‌های پنهانی و خط‌دهی برای افزایش گناه و انحراف بیشتر خواهد بود. وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ وَإِلَىٰ آلِيَابِهِمْ همانا شیطان‌ها به دوستانشان پیام سوی می‌فرستند (انعام، ۱۲۱).

پیامبر گرامی اسلام (ص) وسوسه و القاء پیام‌های فریبنده و پنهان شیطان را همیشگی دانسته که حتی در خواب هم انسان را رها نمی‌سازد و می‌فرماید: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَزَالُ يُرَاقِبُ الْعَبْدَ وَ يُوسْوِسُ فِي نَوْمِهِ وَ يَقْطَعُهُ هَمَانَا شیطان همواره در کمین بنده است و او را در خواب و بیداری وسوسه می‌کند (سفینه البحار، ۳، ۳۸۹).

۲- **نسیان خداوند:** انسان متذکر خدا هرگز اسیر کیدها و دام‌های شیطان نمی‌گردد و لذا این دشمن خطرناک ابتدا تلاش می‌کند یاد خدا را از صحنه ذهن و فکر انسان پاک کند تا فرصت تاخت و تاز را پیدا کند و حزب خود را تقویت سازد. أَسْتَحْوِذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ شیطان بر آنان





چیره شد و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان زیان کارانند(مجادله، ۱۹).

غفلت از خدا از بهترین فرصت هایی است که شیطان و جریان های شیطانی از آن بهره می گیرند و در مقابل یاد خدا بزرگترین سدّ و مانع نفوذ دشمنی خطرناک مثل شیطان می باشد و سرمایه ای است که به انسان مؤمن و ذاکر مصونیت می دهد علی(ع) می فرماید: ذِکْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ رِبْحُهُ السَّلَامَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ (میزان الحکمه، ۳، ۴۲۰) یاد خدا سرمایه هر مؤمن و سود و بهره آن سالم و ایمن ماندن از شیطان (و وسوسه های او) است.

و در بیانی کوتاه اما پر محتوی می فرماید: ذِکْرُ اللَّهِ مُطْرِدَةٌ الشَّيْطَانِ. «هان! یاد خدا شیطان را طرد و دور می کند»(همان).

یاد خدا به انسان بصیرت و دوراندیشی می دهد که شیطان و جریانات انحرافی اگر به او هجوم ببرند انسان مؤمن، دشمنی و عداوت آنها را درک کرده و غافل گیر نمی شود. قرآن در توصیف اهل تقوی که همان یاد کنندگان خدایند می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ**. همانا آنان که پرهیزکار شدند چون با گروه شیطانی برخورد کنند متذکر و متوجه گشته (و فریب و نفاق آنها را می فهمند) پس آنگاه ایشان با بصیرت و بینا می باشند(اعراف، ۳۰۱).

۳- زینت اعمال زشت: یکی از مهارت های شیطان آرایشگری و زینت دادن کالاهای زشت و نامرغوب و گناهان می باشد و ابزار او در این عمل بهره گیری از امیال و خواهش های نفسانی است یعنی گناهان و اعمال زشت را به رنگ و شکلی در می آورد که نفس اماره انسان به آن شوق پیدا کرده نمی تواند از آن دوری کند. قرآن در افشاء این توطئه شیطان آیات متعددی را اختصاص داده است مانند: **قَالَ رَبِّ إِنِّي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَالْأَعْوِينَ**. پروردگارا به سبب گمراه ساختن من در زمین برای آنها زینت آرائی می کنم و همه را گمراه خواهم ساخت(حجر، ۳۹).

گاهی هم اعمال انسان های منحرف را برای آنها زینت داده و با وعده پیروزی آنها را نسبت به آنچه می کنند مغرور می نماید ولی در صحنه کارزار و نیاز به کمک نرفته و آنها را رها می سازد.

وَإِذْ زَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ

وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْهُ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنَّي بِرِيءٍ مِّنْكُمْ (و)

به یاد آور) هنگامی را که شیطان اعمال آنها [= مشرکان] را در نزدشان جلوه داد و گفت امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد و من همسایه (و پناه دهنده) شما هستم اما هنگامی که دو گروه (کافران و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند به عقب برگشت و گفت من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم (انفال، ۴۸).

۴- ایجاد اختلاف و دشمنی بین مؤمنین: شیطان همیشه طالب شکاف و تفرقه

بین مؤمنین است تا اولاً آنها با انسجام خویش نتوانند در برابر دشمنان پیروز باشند و ثانیاً در پرتو اختلاف و دشمنی با یکدیگر زمینه ابتلاء به گناهان در آنها بیشتر گردد. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ لَكُمْ لَعْنَةُ الشَّيْطَانِ إِنَّهَا يُرِيدُ أَنْ يَفْضَحَكُمْ وَيَكْفُرَنَّ بِنُفْسِكُمْ فَاسْتَنْصِرُوا إِلَى اللَّهِ أَلَيْسَ بِاللَّهِ الْمُسْتَعِينُ (سوره بقره، ۲۰۰).
و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند (مانده، ۹۱).

گاهی هم قرآن همین توطئه را با تعبیر نزع (وارد شدن در کاری برای تباه کردن آن) بیان می کند و می فرماید: وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّا الشَّيْطَانُ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا به بندگانم بگو آن چه نیکوتر است را بگوئید همانا شیطان میان آنها را به هم می زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است (اسراء، ۵۳).

وحدت، منشأ الهی و اختلاف بین مؤمنین، منشأ شیطانی دارد. امام صادق (ع)

درباره این نقشه شیطان، می فرماید:

لَا يَزَالُ إبليسُ فَرَحًا مَا اهْتَجَرَ المُسْلِمَانِ فَإِذَا التَّقِيَا إصطَكَتْ رِكَتَاهُ وَتَخَلَّغَتْ

أَوْصَالَهُ وَ نَادَى يَا وَيْلَهُ مَا لَقِيَ مِنَ التُّبُورِ. ابلیس مادامیکه بین دو مسلمان قهر و اختلاف باشد بسیار خوشحال است اما همین که با یکدیگر آشتی کنند زانوهایش می لرزد و بند بند وجودش پاره می شود و فریاد می زند ای وای بر من که به سبب این آشتی هلاک شدم (کافی، ۲، ۳۴۶).

علی (ع) برنامه و هدف شیطان از تفرقه افکنی بین مؤمنین را چنین ترسیم می فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يَعْطِيكُم بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفِرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْدُقُوا عَنْ نَزَعَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ: شیطان می خواهد به اجتماع شما تفرقه بخشد و با تفرقه فتنه بسازد. پس از فسادها و وسوسه هایش

روی بگردانید (غرر الحکم و درر الکلم، ۱۲۹۱).





۵- **موضع امرانه و دستوری:** شیطان می داند نسبت به انسان های سست اراده و ضعیف اگر از موضع قدرت و دستور و فرماندهی وارد شود می تواند آنها را منفعل سازد و تحت سلطه خویش درآورد. قرآن می فرماید: **كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.** مانند شیطان که به انسان گفت کافر شو، و چون کافر شد (شیطان) گفت از تو بیزارم من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم (حشر، ۱۶). بدیهی است که امر و دستور از موضع قدرت ابلیس و هر شیطان دیگر به امور زشت و ناپسندی تعلق می گیرد و تنها کسانی مخاطب این دستورات قرار می گیرند که از ولایت خدا خارج و پیروی از شیطان را پذیرفته باشند قرآن به مؤمنین هشدار می دهد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛** ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گامهای شیطان پیروی نکنید هر کس پیرو گامهای شیطان شود. گمراهش می سازد زیرا او به فحشا و منکر فرمان می دهد.

۶- **تقویت حب دنیا:** علی علیه السلام می فرماید: **إِحْذَرُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَ مُفْسِدَةُ الْإِيمَانِ.** از (حب) دنیا بپرهیز زیرا آن دام شیطان است و تباہ کننده ایمان. (الحکمه و المواعظ) این دشمن قسم خورده می داند اساس همه انحرافات حب دنیا و وابستگی به ذخارف آن است و اگر انسان ها را به آن مبتلا سازد از یاد آخرت غفلت کرده و تن به هر ذلت و معصیتی می دهند و در مقابل به طرف کارهای نیک و الهی نمی روند. پیامبر اکرم می فرماید: **حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ** (میزان الحکمه، ۳، ۲۹۴)

«حب دنیا اصل هر نافرمانی و شروع و اول هر گناهی است» چون شیطان تلاش می کند دنیایی که باید مرکب، مزرعه، تجارتخانه، ممر و در اختیار انسان باشد را به راکب، منزل، معبود، هدف و حاکم بر انسان قرار دهد و از این طریق او را در انحراف و لغزش غرق سازد.

۷- **غیر قابل تحمل معرفی کردن دین داری:** یکی از شبکه های فعالیت شیطان آن است که تعبد و بندگی خدا را دشوار و مستلزم تلخی و مرارت نشان می دهد و دین داری را به معنای پشت کردن به همه لذت ها و پذیرش زندگی پر از سختی و ناکامی ها و بدون آرامش و آزادی و محرومیت از شادی و آسایش جلوه می دهد و در مقابل کامیابی و بهره مندی از لذت های دنیوی و مطلوب انسان را تنها در پشت کردن به دین و رهایی از

بندگی خدا معرفی می کند. حتی برای فریب پیامبری مانند حضرت آدم گفت اگر می خواهی حیات جاویدان داشته باشی و از نعمت های بهشتی همیشه بهره مند باشی راهش آن است که از شجره ممنوعه استفاده کنی. (طه، ۱۲۰).

۸ - تحریف دین: شیطان به خوبی می داند که بسیاری از مؤمنین و بندگان متعبد الهی را با گناه نمی تواند فریب داده و تحت تأثیر قرار دهد و لذا با ادخال آنچه در دین نیست در دین الهی و تحریف معارف اسلامی آنها را بنام دین و خدا بامور غیر شرعی و باطل دعوت می کند. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۲۰۸ سوره بقره^۱ می فرماید:

منظور از اتباع خطوات الشیطان این نیست که فرمان او را در دعوت به اموری که همگی باطل است نپذیرند (زیرا معلوم است که مؤمنین چنین دعوتی را لیبیک نمی گویند) بلکه مراد این است او را در آنچه به دین دعوت می کند نپذیرند به این صورت که او چیزی از راه های باطل را با حق تزیین داده و بر چیزی که از دین نیست نام دین می گذارد پس انسان بدون این که بداند آن را می پذیرد (المیزان، ۲، ۱۰۱).

۹- ترویج ردائل: شیطان تلاش می کند ردایل و صفات و ملکات زشت و ناپسندی مثل حسد، بخل، طغیان و امثال آن که منشأ اعمال زشت می شود را احیاء و در افراد تقویت نماید. عَنِ الصَّادِقِ (ع) يَقُولُ إِبْلِيسَ لِحُنُودِهِ: أَلْقُوا بَيْنَهُمُ الْحَسَدَ وَ الْبَغْيَ فَإِنَّهُمَا يَعْدِلَانِ عِنْدَ اللَّهِ الشُّرَكَ (کافی، ۲، ۳۱۵) ابلیس (استاد همه شیاطین) به لشکریانش می گوید بین مردم حسد و بغی را القاء کنید زیرا این نزد خدا معادل شرک است.

علی (ع) خطاب به حارث همدانی در این که غضب یکی از جنود بزرگ شیطان است می فرماید وَ إِحْذَرِ الْغَضَبَ فَإِنَّهُ جُنْدٌ عَظِيمٌ مِنْ جُنُودِ إِبْلِيسَ (نهج البلاغه کلام ۶۹) یعنی: و از خشم و غضب بپرهیز که لشکر بزرگی از سپاه شیطان است. به همان میزان که صفات حسنه و نیکو مانند تقوی، عدالت، پارسایی مانع نفوذ شیطان و گرفتار شدن در معاصی می گردند صفات زشت و ردائل بهترین فرصت برای آلوده کردن و ابتلاء به گناهان و پذیرش ولایت و سلطه شیاطین جن و انس را مهیا و آماده می سازند. با ابتلاء به ردائل انسان خود از

^۱... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ .





جنود و نیروهای پیاده شیطان می گردد و چه بسا دیگران را هم گرفتار کرده و چنین انسانی خودش می شود شیطان.

مقابله با شیطان

از مهمترین مطالبی که جویندگان سعادت و طالبان سلوک در صراط مستقیم به آن اهتمام بیشتری دارند آشنایی با طرق مقابله با شیطان است.

این موضوعی است که در معارف دینی ما به آنها اهتمام فراوانی شده است؛ بهترین و مهمترین لوازم مقابله با شیطان و ناکام کننده او و جنودش با تعابیر لطیف و زیبایی در اختیار انسان ها قرار گرفته است که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

۱- دشمن دانستن شیطان: نخستین گام برای مصونیت از هر آسیب و آفتی که از طرف شیطان به انسان می رسد آن است که باور کند و حقیقتاً به این اعتقاد برسد که شیطان دشمن انسان و در جبهه مقابل او قرار دارد هر چند با چهره دوستانه و خیرخواهانه عمل می کند. قرآن از انسان ها می خواهد که عداوت و دشمنی شیطان را شناخته و در عمل هم او را دشمن قرار دهند. **إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ.** البته شیطان دشمن شماست پس او را دشمن بدانید او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند (فاطر، ۶). انسان وقتی دشمن را شناخت نسبت به آنچه او ارائه می کند با سوءظن و بدگمانی برخورد کرده و به خوبی می داند که آنچه او می گوید و یا به آن دعوت می کند از روی خیرخواهی و محبت نیست.

دشمن شناسی در هر صحنه پیکار و مبارزه شرط اصلی و اولیه است و غفلت از دشمنی و عداوت چه بسا انسان را اسیر و سرباز و نیروی دشمن قرار میدهد و زمینه را برای سلطه و حاکمیتش فراهم سازد؛ پیامبر رحمت در مواعظ خویش به ابن مسعود می فرماید:

يَا بَنَ مَسْعُودِ اتَّخِذِ الشَّيْطَانَ عَدُوًّا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوًّا فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ ای فرزند مسعود! شیطان را دشمن قرار بده همانا خداوند متعال می فرماید همانا شیطان برای شما دشمن است پس او را دشمن قرار دهید (مکارم الاخلاق، ۲، ۳۵۴).

۲- ایمان و توکل بر خدا: برای مصونیت و سالم ماندن از تجاوزات دشمن خطرناک و قوی مانند شیطان باید به خدا اعتماد و تکیه کرد با توکل و اتصال به خدا انسان از سلطه و قلمرو تهاجم شیطان مصون می ماند. قرآن با صراحت می فرماید: **إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**؛ همانا او (شیطان) بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند تسلطی ندارد. (نحل، ۹۹).

یاد و انس با خدا و توکل بر او به انسان بصیرت و قدرت مقاومتی می دهد که نه فریب و وسوسه ها و القائات شیطان را بخورد و نه در برابر حملات او متزلزل و منفعل گردد و در مقابل غفلت از یاد خدا شیطان را همنشین و مسلط بر انسان می سازد. **وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ** و هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همواره قرین اوست (زخرف، ۳۶).

۳- استغاثه و استعانت از خدا: علاوه بر ایمان و توکل؛ التجاء، استغاثه و درخواست کمک و نصرت از خدا و عبادت پروردگار، عاملی دور ساز و طرد کننده شیطان و بی اثر سازنده توطئه های او است. عن علی (ع) اکثر الدعا تسلّم من سورة الشیطان؛ دعا بسیار کن تا از بیم شیطان ایمن باشی (بحار الانوار، ۷۵، ۱۶۴).

قرآن به ما آموزش می دهد که از وسوسه های شیطانی به خدا پناه ببریم و از او استعانت و استعاذه کنیم تا شیاطین جن و انس فرصت حضور و تأثیرگذاری بر انسان را نداشته باشند. **وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ تَحْضُرُونِ** (مؤمنون، ۹۷ و ۹۸) بگو: پروردگارا از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم و پروردگارا از این که (آن ها) به پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم..

۴- یاد مرگ: با به یاد داشتن سرانجام حیات دنیوی و مرگی که همگانی و قطعی است و سرآغاز بررسی و حسابرسی انسان خواهد بود، دیگر شیطان نمی تواند دنیا را هدف و منزل ماندگار معرفی کند و با حب دنیا و بندگی امور فناپذیر مانع حرکت استکمالی و کسب فضائی گردد که ابدیت انسان را می سازد. امام صادق (ع) فرمود

ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَيَقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرِقُّ الطَّبِيعَ وَيَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَيَحَقِّرُ الدُّنْيَا وَهُوَ مَعْنَى مَا قَالَ





النَّبِيُّ (ص) فِكْرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِّنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ: یاد مرگ شهوات نفسانی را می میراند و ریشه های غفلت را بر می کند و قلب انسانی را نسبت به وعده های الهی تقویت و مستحکم می کند و طبع او را نرم و لطیف می کند و پرچم و نمود هوی را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا(طلبی) را تحقیر و کوچک می سازد و همین یاد مرگ کردن معنای سخن پیامبر اکرم(ص) است که فرمود یک ساعت فکر کردن بهتر است از عبادت سالانه(بحارالانوار، ۶، ۱۳۳).

۵- مصاحبت با جنود الهی و دوری از همنشینی با حزب شیطان: انسان به

اقتضاء اجتماعی بودن از ارتباط با دیگران تأثیر می پذیرد و شخصیت او در تعامل و ارتباط با دوستان و همنشینانش شکل می گیرد؛ کما اینکه علی علیه السلام فرمود: **الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَن يُخَالِلُ** هر انسانی دین و روش دوستش را دارد پس هر کدام از شما نظر کند با چه کسی همراه است(بحارالانوار، ۷۱، ۱۹۳).

برای مقابله با این توطئه و مصونیت از این تهاجم باید با انسان های الهی و حزب خدا همراه بود و ملازمت با آنان را هرگز از دست نداد که در چنین مصاحبت و همنشینی شیطان امکان حضور نخواهد یافت. علی(ع) می فرماید: **قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَإِنَّ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ** با نیکان همنشین باش تا از آنان باشی و از بدان بپرهیز تا از آنان نباشی(بحارالانوار، ۷۱، ۱۸۵). و در بیانی دیگر فرمود: اکثر الصواب و الصلاح فی صحبه اولی النهی و الالباب؛ بیشتر صواب ها و کارهای نیک در همراهی کسانی است که انسان را از بدی بازداشته و اهل خرد باشند(میزان الحکمه، ۵، ۳۰۱). قرآن در این باره می فرماید:

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلِيْتَنِي أَنذَرْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً *

يَوْمَئِذٍ لِيَتَنِي لَمَّا أَنذَرْتُ فَلَانًا خَلِيلاً * لَقَدْ أَصَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي

وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود

را (از شدت حسرت) به دندان می گزد و می گوید ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم ای وای بر من کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود او مرا از یاد (حق) به گمراهی کشاند و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است (فرقان ۲۷ تا ۲۹).

۶- عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان: چه شایسته است در سرنوشت انسان

ها و جوامعی که ولایت و سلطه شیطان را پذیرفتند تأمل و توجه نموده و ببینیم این دشمن چگونه با آنان عمل کرده و با عبرت گرفتن از آن خود را از اسارت وی رها سازیم.

قرآن پس از ذکر جریان وسوسه شیطان نسبت به آدم و حوا همه ما و فرزندان آدم را مخاطب قرار داده و چنین هشدار می دهد:

يَبْنِيْءَ اٰدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الشَّيْطٰنُ كَمَا اَخْرَجَ اٰبَوَيْكُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَا ۗ اِنَّهُ يَرِنُّكُمْ هُوَ وَقَبِيْلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطٰنَ اَوْلِيَاۗءَ لِلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ. اى فرزندان آدم زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون رانده و لباسشان را از تنشان برکند تا عورت هایشان را بر آنان نمایان کند در حقیقت او و قبیله اش شما را از آن جا که آن ها را نمی بینید می بیند ما شیطان ها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند (اعراف، ۲۷).

مهمترین بعد داستانهای قرآنی که در عین هنر قصه واقعیات گذشته را بیان می کند عبرت گرفتن از جهت گیریهای آنان و هدایت مردم است یعنی از آنچه اتفاق افتاده برای آنچه می خواهد اتفاق افتد درس و عبرت بگیرید.

لَقَدْ كَانَتْ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ فِي سَرَّكَدَشْتِ اَنُهَآ دَرَسِ عِبْرَتِيْ بَرَاى

صاحبان اندیشه بود (یوسف، ۱۱۱).

۷- انس با قرآن و کلام الهی: قرآن علاوه بر ارائه راهکارهای هدایت و مصونیت بخشیدن از آفت ها و آسیب هایی که شیطان و جنودش برای انسان ایجاد می کنند، چون کلام خداست دارای نورانیتی است که با وجود آن جائی برای ظلمت های ابلیس نمی ماند: عَنْ رَسُوْلِ اَللّٰهِ (ص) لَيْسَ شَيْءٌ عَلٰى الشَّيْطٰنِ اَشَدُّ مِنْ الْقَرَاۗءَةِ فِي الْمُسْحَفِ نَظْرًا وَّ الْمُسْحَفُ فِي الْبَيْتِ يَطْرُدُ الشَّيْطٰنَ؛ چیزی برای شیطان سنگین تر و دشوارتر از قرائت قرآن از روی مصحف نیست و وجود قرآن در خانه دور کننده شیطان است (بحار الانوار، ۸۹، ۲۰۱). همچنین علی(ع) در بیانی نورانی می فرماید:

اَلْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيْهِ الْقُرْآنُ وَيَذْكُرُ اَللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ فِيْهِ تَكَثَّرَ بَرَكَتُهُ وَ تَحَضَّرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِيْنُ وَ يُضِيْءُ لَأَهْلِ السَّمَآءِ كَمَا تُضِيْءُ الْكَوْكَبُ لِأَهْلِ الْاَرْضِ وَ اَنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فِيْهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يَذْكُرُ اَللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ فِيْهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحَضَّرُهُ الشَّيَاطِيْنُ. خانه ای که در آن قرآن قرائت شود و خدا در آن یاد شود برکتش زیاد گشته و ملائکه در آن حضور یافته و شیطان ها از آن دور گردند و چنین خانه





ای برای اهل آسمان می درخشد آنگونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند و خانه ای که در آن قرائت قرآن نشود و یاد خدا نگردد برکات او اندک گشته و فرشته ها از آن دور می شوند و شیاطین در آن حضور می یابند(کافی، ۲، ۶۱۰).

۸- یاری جستن از تکالیف شرعی: با مشغول شدن به بندگی خدا و اعمالی که او برای انسان بعنوان راهبرد هدایت و سعادت ارائه کرده است شیطان مایوس و ناتوان می گردد و فرصت تهاجم و تأثیرگذاریش کاهش می یابد.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟** قَالُوا بَلَى، قَالَ **الصَّوْمُ يَسْوَدُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُوَاظَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ دَابِرَهُ وَالْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْنَهُ.** آیا شما را به چیزی خبر دهم که اگر انجامش دهید شیطان از شما فاصله می گیرد چونان فاصله میان مشرق و مغرب؟ گفتند بلی ای رسول خدا آن حضرت فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند، صدقه پشتش را می شکند، دوستی به خاطر خدا و یاری بر عمل صالح ریشه اش را قطع می کند و استغفار رگ حیاتش را می زند (میزان الحکمه، ۱۰، ۱۴۵۷).

در آیات و روایات برای هر کدام از عبادات و دستورات دینی آثاری بیان شده که یکی از مهمترین آنها ناکام سازی شیطان و قدرت بازدارندگی زشتی ها و دام های شیطان است. درباره نماز قرآن می فرماید: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد (عنکبوت، ۴۵).

شاید به همین جهت باشد که شیطان در کمین است که زمانی مؤمن نسبت به نماز کوتاهی کند تا بر او حمله ور شود. **لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّ عَلَيْهِ وَوَقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ؛** شیطان پیوسته از فرزند آدم در هراس و وحشت است مادامی که بر نمازهای پنج گانه محافظت می کند پس اگر نمازها را تباه کرد بر او یورش می برد و او را به گناهان بزرگ می اندازد (میزان الحکمه، ۵، ۴۰۴). چنانچه علی(ع) فرمود: **الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطْوَاتِ الشَّيْطَانِ** نماز دژی است در برابر یورش شیطان (میزان الحکمه، ۵، ۳۶۷).

۹- اجتناب از مقدمات گناه: یکی از راههای ناکام سازی شیطان اجتناب از مجالس گناه یا مجالسی است که زمینه گناه و طغیان نفس را بفرمان شیطان ایجاد کند: **عَنْ**

رَسُولُ اللَّهِ (ع) لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ فَإِنَّ تَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ نَبَايِدُ مَرْدِيٍّ مِنْ شِمَا بَا زَنٍ - نَامَحْرَمٍ -
خلوت کند که سومی آنان شیطان خواهد بود (نهج الفصاحه، ۳۷۸ حدیث ۳۷۲۴).

عفت و حفظ نفس از آلوده شدن به اموری که مورد طمع شیطان است و زمینه ابتلاء به معاصی را فراهم می سازد از مهم ترین راهکارهای مصونیت از گرفتار شدن در دام حملات دشمن قسم خورده و کمین گرفته ای مانند شیطان و سپاهیان و تقویت جنود عقل و رحمانی است و لذا به ما سفارش شده که از امور لغو و بیهوده اجتناب کنیم تا ترک محرمات بر ما آسان باشد.

علی (ع) می فرماید: اللَّهُ بِسَخَطِ الرَّحْمَنِ وَيَرْضَى الشَّيْطَانَ وَيَسِي الْقُرْآنَ لَهْوِ خَدَايَ رَحْمَنٍ رَا بَه سَخَطِ أَوْرَدَه وَ شَيْطَانِ رَا رَا ضَى وَ خَشْنُوْد مِى كَنْد وَ قُرْآنِ رَا بَه فَرَا مَوْشَى مِى سِپَارْد (بحار الانوار، ۹۰، ۷۵). چنانچه امام کاظم (ع) در توصیف عاقل و خردمند می فرماید: إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الدُّنُوبِ وَ تَرَكُوا الدُّنْيَا مِنَ الْفَضْلِ وَ تَرَكُوا الدُّنُوبَ مِنَ الْفَرَضِ هَمَانَا خَرْدَمَنْدَانِ فَرْوَنَى دُنْيَا رَا نَهَادَنْدِ آيَا نَبَايِدُ گناه را نهاد؟ در حالی که ترک دنیا فضیلت است و ترک گناه واجب (کافی، ۱۰۱۷).

۱۰ - **تقویت ملکه تقوی:** گرچه ورود به اولین مرحله تقوی جز در مخالفت با شیطان و جنودش حاصل نمی شود لکن هر چه این نیروی درونی و ملکه نفسانی تقویت شود قدرت مقاومت و نفوذ ناپذیری در برابر تهاجمات شیطانی افزایش می یابد. علی (ع) می فرماید تقوی کلید درستی و اندوخته روز قیامت است آزادی است از قید هر رقیت، نجات است از هر بدبختی. به وسیله تقوی انسان به هدفش می رسد و از دشمن نجات پیدا می کند (نهج البلاغه خطبه ۲۲۸).

اینک با استناد به معارف دینی به برخی از ابعاد مصونیت بخش تقوی اشاره می شود.

۱ - ۱۰ - با تقوی انسان به بصیرتی دست می یابد که برای جریانات شیطانی امکان فریب باقی نگذاشته و به مجرد حضور و دخالت انسان متقی فوراً متوجه خطر و دشمنی و نقشه های آنها گشته و گرفتار تهاجم غافل گیرانه نمی گردد. قرآن با صراحت می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ**





همانا آنان که تقوی پیشه کنند هرگاه گروهی از شیاطین با آنها برخورد کنند متذکر و آگاه گردیده پس در این هنگام آنان اهل بصیرتند (اعراف، ۲۰۰).

۲ - ۱۰ - تقوی امکان بهره مندی هر چه بیشتر از هدایت های الهی و دست یابی به معارف قرآنی را فراهم می سازد و لذا قرآن خود را هدایت برای متقین معرفی کرد «هدی للمتقین» (بقره، ۲) گر چه قرآن برای عموم مردم کتاب هدایت است لکن دست یابی به هدایت واقعی و حقایق قرآن و نیز آگاهی از تأویلات قرآنی جز برای متقین میسر نخواهد بود و لذا فرمود: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (آل عمران، ۱۳۸) این بیان است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.

۳ - ۱۰ - تقوی منشأ تمییز حق از باطل می باشد و یکی از مهمترین راهبردهای شیطانی را بی اثر می کند: **إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا**؛ اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند برای شما مایه تمییز و تشخیص می دهد (انفال، ۲۹).

۴ - ۱۰ - تقوی انسان را مصاحب خدا و محبوب او می سازد و پیداست که جایی که خدا باشد شیطان فرصت نخواهد داشت: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ** خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند و کسانی که نیکوکارند (نحل، ۱۲۸).

۵ - ۱۰ - تقوی حصن و حافظ جان و روح آدمی است که نمی گذارد آسیب و آفتی به انسان برسد. مرحوم شهید مطهری می فرماید:

... تقوی هم، برای روح مانند خانه است برای زندگی و مانند جامه است برای تن. اتفاقاً در قرآن از تقوی به جامه تعبیر شده و در سوره مبارکه اعراف آیه ۲۶ بعد از آن که نامی از جامه های تن می برد می فرماید «و لباس التقوی ذلک خیر» تقوی که جامه روح است بهتر و لازم تر است (ده گفتار، ۱۵).

۶ - ۱۰ - تقوی تقویت کننده قوه عاقله و منقاد کننده قوای شهوانی و غضبانی است. یعنی با تقوی جبهه داخلی و نبرد درونی با پیروزی و حاکمیت رسول باطنی و عقل و فطرت انسانی همراه خواهد بود و بُعد طبیعی و مادی غرائز و قوای حیوانی تحت کنترل عقل درآمده، فرصت طغیانگری و فرمانبرداری از شیطان را نخواهد یافت و انسان از ولایت و سلطه رقیبان خدا خارج و تحت ولایت خدا در می آید چرا که انسان و هواهای نفسانی او فراهم کننده حضور و وسوسه شیطان هستند و تا آمادگی داخلی نباشد دشمن بیرونی را تسلط و قدرتی وجود نخواهد داشت. حضرت یعقوب علیه السلام خطاب به

حضرت یوسف (ع) می فرماید: قصه و خواب خویش را به برادرانت نگو زیرا در آنها زمینه کید و نیرنگ شیطان وجود دارد و ممکن است آنها را تحت تأثیر قرار دهد:

قَالَ يَبْنِي لَا تَقْضُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۗ إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ

عَدُوٌّ مُّبِينٌ (يعقوب) گفت فرزندم خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه

(خطرناکی) می کشند چرا که شیطان دشمن آشکار انسان است (یوسف، ۵).

آنچه ذکر شد تنها برخی از راهکارهایی است که برای مقابله با این دشمن قسم خورده و خطرناک وجود دارد و البته در منابع دینی ما ابزارها و راهکارهای دیگری هم وجود دارد که بخاطر اختصار از بیان آنها اجتناب گردید مانند بهره گیری از قانون محاسبه، استعاذه و پناه بردن به خدا، استمرار بر توبه و پاکسازی از انحرافات علمی و عملی، واکنش در برابر هر تهاجم متناسب با آن، تفکر و تأمل در شخصیت و خطرات انسانی، بهره مندی از راهنما و مرشدی که خود راه را یافته باشد.

نتیجه

انسان برای دست یابی به هدف آفرینش و تعالی و تکامل علاوه بر شناخت راه و چگونگی حرکت به سمت مقصد نهایی، باید موانع راهزنان این حرکت اساسی و روش های او را بشناسد تا مقابله با آنها میسر و ممکن گردد.

۱- بزرگترین مانع و راهزن حرکت صعودی و سعادت بخش انسان، شیطان است که معرفی این دشمن و جنود و حزب و شیوه هایش، در منابع دینی ما به ویژه قرآن به آن اهتمام فراوان شده است.

۲- مهلت دادن خدا به شیطان برای اغوا و وسوسه انسان ها، لازمه نظام احسن و حرکت استکمالی و اختیاری انسان می باشد.

۳- قلمرو فعالیت شیطان نامحدود نیست و او تنها در حوزه اعمال اختیاری انسان می تواند تأثیر گذار باشد؛ چنانچه وسوسه ها و تلاش او هرگز سلب اختیار از انسان نمی نماید.

۴- مهم ترین برنامه ها و راهبردهای کلان شیاطین جنّ و انس برای به انحراف کشاندن انسان عبارتند از:





- ۱ - ۴- محاصره همه جانبه و حمله از چهارطرف؛
- ۲ - ۴- سوق دادن به کفر و ارتداد؛
- ۳ - ۴- وعده به لذت های مادی و وعید از متابعت مصلحان دینی؛
- ۴ - ۴- اختلاط حق با باطل؛
- ۵ - ۴- عجب و غرور ایجاد کردن بر اعمال صالحه و فضایل؛
- ۵- برخی از اساسی ترین روش ها و ابزارهایی که شیطان و جنودش از آنها بهره برداری می کنند عبارت است از:
 - ۱ - ۵. وسوسه و وارد کردن خطورات باطل به ذهن انسان ها؛
 - ۲ - ۵. نسیان خدا؛
 - ۳ - ۵. زینت دادن اعمال زشت؛
 - ۴ - ۵. ایجاد اختلاف بین مومنین؛
 - ۵ - ۵. امر و دستور به کفر و نافرمانی خدا؛
 - ۶ - ۵. تقویت حبّ دنیا؛
 - ۷ - ۵. غیر قابل تحمل معرفی کردن دین داری؛
 - ۸ - ۵. تحریف معارف دینی؛
 - ۹ - ۵. ترویج ردّایل اخلاقی و صفات ناپسند؛
 - ۱۰ - ۵. پشتیبانی و تقویت هواهای نفسانی؛
 - ۱۱ - ۵. به کفر کشاندن تدریجی؛
 - ۱۲ - ۵. القاء تردید و سرگردانی؛
- ۶- مهم ترین راهبردهای دینی و قرآنی برای مقابله با شیطان عبارتند از:
 - ۱ - ۶. دشمن دانستن شیطان؛
 - ۲ - ۶. ایمان و اعتماد به خدا؛
 - ۳ - ۶. استغاثه به خدا؛
 - ۴ - ۶. به یاد داشتن مرگ و سرانجام حیات دنیوی؛
 - ۵ - ۶. مصاحبت با نیکان؛
 - ۶ - ۶. عبرت گرفتن از سرنوشت دیگران؛
 - ۷ - ۶. انس با قرآن و کلام الهی؛

۸ - ۶. یاری گرفتن از تکالیف شرعی؛

۹ - ۶. اجتناب از مقدمات گناه؛

۱۰ - ۶. تقویت ملکه تقوی؛

۷ - انسان بصیر و طالب سعادت دنیوی و اخروی باید با بهره گیری از امکانات و ابزاری که خدا به او داده منافذ شیطان و راههای سلطه او را ببندد و با کنار زدن موانع حرکت استکمالی، سیر و سلوک خویش را دنبال نماید.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه .

- صحیفه سجاده .

- کلینی ، ثقه الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب اصول کافی (۲ جلدی ، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه ق.

- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان، بی تا،

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: ۱۴۰۳ ه ق.

- محمدی، فتح الله، جنگ بی پایان، قم: مجمع احیاء فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

- دستیغیب، عبدالحسین، قلب سلیم،

- الفراهیدی، ابو عبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت: موسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ ه ق.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ دوم، بی جا: کتابفروشی

مرتضوی، ۱۳۶۲.

- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، بی تا.

- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.

